

آينه

جمهوری اسلامی

کارکرد روحانیت این نیست

● متأسفانه آنچه در چهار دهه گذشته رخ داده، برعکس انتظارات است به‌طوری‌که اکنون سخیف‌ترین مطالب خرافی و بی‌پایه‌ترین ادعاها توسط بعضی منبری‌ها و مداحان در محافل مذهبی مطرح می‌شوند و سنگین‌ترین ضربه‌ها را به دین اسلام و مذهب شیعه وارد می‌کنند...
ورود به مقوله روابط زناشویی توسط یک فرد ملیس به لباس روحانیت همراه با بیان جزئیاتی که شرم‌آور است، پربایی همایش ترویج چندهمسری در اسلام توسط یک فرد معمم، طرح گماشتن افراد روحانی در بیمارستان‌ها تحت عناوینی از قبیل روحانی درمانی بیماران، استفاده از بعضی روحانیون فاقد معیارهای لازم در تلویزیون و رادیو به عنوان کارشناس مسائل دینی که مطالب آنها از طریق فضای مجازی برای تمسخر دین و مذهب دست‌به‌دست می‌شود و دخالت مداحان و منبری‌های کم‌سواد در موضوعات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و نظامی و بین‌المللی، از اموری هستند که مشکلات زیادی پدید آورده‌اند.
درحالی‌که اصولاً نیازی به ورود روحانیون به چنین مقولاتی نیست. وقتی عده‌ای فکر می‌کنند روحانیون باید در مترو مستقر شوند و به سوالات مذهبی مردم پاسخ بدهند، این روند غلط به‌تدریج تا استقرار در اتوبوس و تاکسی و هواپیما به پیش می‌رود! اینها به معنای ورود فیزیکی روحانیون به تمام شئون زندگی مردم است درحالی‌که نه‌تنها در ساختار روحانیت چنین وظیفه‌ای تعریف نشده و هرگز وجود نداشت بلکه اقدامی زیان‌بار و همراه با عوارض سوء است.

از اینها مهم‌تر اظهارنظرهای نادرست، خرافی، گمراه‌کننده و موهنی است که بعضی از اداره‌کنندگان محافل هستند که دین و مذهب نسبت می‌دهند و عملاً در جهت خلاف مسیر انقلاب و نظامی اسلامی که رسالت مهم آن پالایش دین و مذهب از این زنگارهاست، فعالیت می‌کنند.

امروز، اکثر مردم به سطحی از آگاهی رسیده‌اند که در مقابل مطالب خرافی واکنش نشان می‌دهند و مطالب افراد کم‌سواد فقط در بخش کوچکی از مردم تأثیرگذار است که هنوز آگاهی لازم را ندارند. وضعیت تأسف‌باری که امروزه با انتشار مطالب سخیف منسوب به دین و مذهب پیش آمده باید هرچه زودتر تغییر کند تا محافل مذهبی، اعم از جشن‌ها و عزاداری‌ها به جایگاه‌های تجلی اسلام ناب و خالص تبدیل شوند. این هدف، با سه اقدام جدی محقق خواهد شد. اول، نظارت جدی بر محتوای مطالب منبری‌ها، مداحان و اظهارنظرکنندگان مذهبی توسط بزرگان حوزه، دوم، خودداری رسانه ملی از پخش مطالب نادرست، سطحی، بی‌سند و خرافی و انحرافی، و سوم، محدود ساختن حضور و کارکرد روحانیون به جایگاه‌هایی که در وظایف روحانیت تعریف شده است.

کیتان

دبرپروژه کاره امروز هیچ کاره!

● **جعفر بلوری:** تمام چشم امید دولت حالا به سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه دوخته شده است. کشورهایی که همین دولتمردان زمانی نه چندان دور آنها را هیچ‌کاره می‌دانستند. حالا اگر کدخدا به هر دلیلی «رسمًا» زیر پرچام بزند، آیا این «آقا اجازه‌ها»، به آن پایبند خواهند ماند؟ پاسخ این سؤال هم روشن است؛ خیر. اما نقض پرچام از سوی این کشورها چگونه خواهد بود؟ این سه کشور اروپایی هرگز نخواهند گفت پرچام را قبول ندارند چراکه پرچام برای غرب، یک گنج استراتژیک است. غرب با رصدکردن مواضع برخی دولتمردان کشورمان، به این نتیجه رسیده که با استفاده از این پرچام می‌شود، توان موشکی ایران، مقاومت و بازوی قدرتمند ایران در منطقه را هم گرفت. آنچه این‌ روزها از «مکمل پرچام» می‌گویند، دقیقاً ناظر بر همین نکته است. آنها برجامی را که توان موشکی‌مان را تضعیف و مقاومت را در منطقه زمین زرده باشد را کامل نمی‌دانند. حتی آمریکایی‌ها هم هیچ‌گاه رسماً زیر پرچام نخواهند زد. این کشورها درست مثل همین ایامی که گذشت، با اعمال تحریم‌های تازه و درخواست‌های ناشدنی مثل بازید از مراکز نظامی و غیرنظامی، به پروسه طولانی و خسارت‌آفرین پرچام ادامه خواهند داد و از ایران هم خواهند خواست به پرچام آن‌قدر پایبند بماند که تمام مؤلفه‌های قدرتش را از دست بدهد.

انتقاد

کاش معاون اولی احمدی‌نژاد را پذیرفته بودم

● **مصاحبه با مهدی چمران:** اگر شبیه احمدی‌نژاد در انتخابات ۸۴، تبلیغات کرده بودیم، قالیاب‌رای می‌آورد... اگر قالیاب می‌ماند و رئیس‌ی کناره‌گیری می‌کرد، قطعاً رای رئیس‌ی به سید قالیاب نمی‌آمد. طرفداران آقای رئیس‌ی تیپ شخصیتی مشخصی داشتند و شاید فقط ۲۰ تا ۳۰ درصدشان به قالیاب رای می‌دادند. بعد از انتخابات مشخص شد که نزدیک به ۷۰ درصد از آرای قالیاب به سید رای رئیس‌ی رفت... او (احمدی‌نژاد) از ابتدای اینکه شهردار تهران شد، به دنبال ریاست جمهوری بود... الا... این که فکر می‌کنم و صحبت‌های عده‌ای را می‌شنوم، می‌گویم کاش (معاون اولی احمدی‌نژاد را) قبول می‌کردم. احمدی‌نژاد نسبت به من حالت دیگری داشت که با بقیه نداشت و شاید اگر قبول می‌کردم به قول شما ماجراها پیش نمی‌آمد.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

بازخوانی ۳۴ سال سیاست‌ورزی با مصطفی معین

رشد اصلاح‌طلبان بدلی، نگران‌کننده است



پل معین، رئیس مجلس شورای اسلامی

فرزانه آثینی: وقتی در ۳۱ سالگی به ریاست دانشگاه شیراز رسید، همه دشواری‌ها برای ورود و ارتقای‌ش در عالم سیاست، یکی پس از دیگری آسان شد. خودش می‌گوید همواره تشنه امور علمی و آکادمیک بوده و هست؛ آن چنان که وقتی برای نمایندگی مجلس شیراز راهی ساختمان مجلس شد، تمام مسیر دانشگاه شیراز تا فرودگاه را گریه کرده است. مصطفی معین، چهره شناخته‌شده جریان اصلاحات است که نمایندگی در سه دوره مجلس و تجربه وزارت در دولت سازندگی و اصلاحات را در کارنامه دارد و کاندیداتوری‌اش در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴، بزرگ‌ترین گام سیاسی او بوده است. از معین درباره آینده اصلاحات واقف پیش‌روی اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ پرسیدیم. او دل‌نگران میراث‌داران جدید اصلاحات بود که سبب تقسیم‌بندی مهره‌های اصلاح‌طلب به اصلاح‌طلبان واقعی و بدلی شده‌اند. گفت‌وگوی پیش‌رو، تحلیل معین از آینده سیاسی اصلاحات است و بازخوانی روزهای نمایندگی‌اش در خانه ملت و چگونگی پیوستش به دولت‌های سازندگی و اصلاحات.

رشد و توسعه و چند «ان‌جی‌او»ی دیگر را پایه‌گذاری

کردیم. از نظر من سیستم دولتی پاسخ‌گوی نیازهای جامعه جدید نیست و کارایی لازم را ندارد. این در حالی بود که من هم می‌توانستم بی‌توجه به کاستی‌ها و شرایط غیرمنطقی مسئولیت، هم در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی بمانم و هم به‌عنوان وزیر در دولت اصلاحات ادامه دهم و اگر در جهت آرمان‌هایم حرکتی نمی‌کنم، سوپا‌ط اطمینانی برای اصلاحات باشم و جایگاه مدیریتی‌ام هم در نظام حفظ شود. اما من نخواستم نقش سوپا‌ط را بازی کنم چون این نقض پیمان به رای و اعتماد مردم بود. به همین دلیل آدم‌د و صادقانه اعتراض را اعلام کردم و به عرصه عمومی آدم‌د و فعالیت کردم.

یعنی تربیت نسل جدید از سوی اصلاحات را امری شخصی و در حیطه امور خصوصی

چهره‌های اصلاح‌طلب می‌دانید؟

من نمی‌خواهم این رویه را به‌عنوان یک الگو مطرح کنم اما سوآلم این است که شما چند نفر را سراغ دارید که وقتی از تعارض مسیر رویه‌رویشان با آنچه به مردم و نمایندگان مردم وعده داده بودند، آگاه شدند، آمدند و استعفا کردند و گفتند شرایط آن‌طور نیست که ما بتوانیم وعده‌ها را پیش ببریم؟ چه تعداد از دولتمردان و نمایندگان وجدانشان را میزان عملکردشان قرار داده‌اند؟ به نظر من نداشتن سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین ضعف‌هایی است که در کشور ما وجود دارد. به بیان روشن‌تر در جامعه ما بی‌اعتمادی عمومی وجود دارد و همگی نسبت به هم بی‌اعتماد هستیم. مردم با دولت، دولت با مردم، نخبگان با جامعه و جامعه با نخبگان! در همه این‌س سطوح بی‌اعتمادی وجود دارد که تنها علاج آن به‌وجودآوردن انواع موضوعات فرهنگی، اجتماعی و... جاری نیست. در چنین شرایطی، طبیعی است که رقابت سالمی در سطح جامعه شکل نگیرد. مثلاً انتخابات در شرایطی برگزار می‌شود که فرصت‌های انتخاباتی یکسان نیست. فقط با فشار جامعه است که اصلاح‌طلبان می‌توانند تفوق پیدا کنند. اگر مردم سرخورده باشند و به صحنه نایبند، طبیعی است آینده روشنی را نیز نمی‌توان پیش‌بینی کرد.

اصلاحات با دوم خرداد سال ۷۶ دارای هویت شد و نمایندگانش هم دولتمردانی بودند که از آن جمع خیلی دیگر فرصت حضور در عرصه اجرایی ندارند؛ حال سؤال این است که این نسل توانسته میراث‌داران اصیلی را به میدان سیاست معرفی کند که برای آینده به آنها امیدوار باشد؟

متأسفانه جامعه ما کسل‌های فرهنگی و اجتماعی و... دارد و به همین دلیل، ما انباشت تجربه خوبی در سطح ملی نداریم. با توجه به این نقیصه، متأسفانه نسل جدید اصلاح‌طلب هم نمی‌توانند میراث‌دار خوبی برای نسل قبلی باشند. ما باید سعی کنیم جدید اصیل را به گونه‌ای هدایت کنیم که بتوانند کسل‌های پیش‌آمده را پر کنند.

اولین عامل «افول اخلاق» در جامعه و در میان سیاسیون است. وفای به عهد یک ارزش بالای اخلاقی است، اما متأسفانه شاهدیم که روزبه‌روز ارزش‌های اخلاقی در جامعه رو به افول است. افراد در زمان کاندیداتوری‌شان وعده‌هایی می‌دهند و پس از ورودشان به دولت یا مجلس رویه دیگری پیش می‌گیرند. دلیل دیگر این نقیصه به شرایط ناعادانه موجود برمی‌گردد، مثلاً تبلیغات سیاسی که در یک چرخه خاص شکل می‌گیرد، نمی‌توان خروجی بهتر از این را از آن انتظار داشت و بر پایه همان معیارهایی که انتخاب شده‌اند هم گام برمی‌دارند.

دلیل سوم برای رشد این نقیصه را هم می‌توان در عدم توسعه‌یافتگی سیاسی جامعه دانست. یعنی سطح آگاهی و تحلیل مردم از کشور، منطقه و جهان آنچنان که باید رشد نداشته است. شاید برخی حضور مردم پای صندوق‌های رای را نشان از توسعه‌یافتگی سیاسی تفسیر کنند ولی به عقیده من حضور چشمگیر مردم در انتخابات، آری به آینده نیست بلکه یک نه بزرگ به گذشته بوده است و به خاطر ترس از بازگشت هشت سال سختی است که پیش از ریاست‌جمهوری روحانی تجربه شده بود. مردم احساس خطر کردند که نکنند یک «مهرورز تانی» بیاید و نظم حداقلی ایجادشده در زندگی آنها

را بر هم بریزد.

شما سابقه نمایندگی مجالس اول، سوم و پنجم را دارید و سال‌ها هم وزیر علوم بوده‌اید و حالا اما خارج از دایره مسئولیت‌هایی که داشته‌اید، عملکرد مجلس‌ها و دولتمردانی را که با رای حامیان اصلاح‌طلب راهی پارلمان و پاسور شده‌اند، چگونه می‌بینید؟

متأسفانه با وجود اینکه بیش از ۱۱۰ سال از دوران مشروطیت گذشته اما ما هنوز هم در یک دوره گذار به سمت دموکراسی به سر می‌بریم، هنوز آن‌طور که باید فرهنگ دموکراسی در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی بروز نکرده است و مردم ما هنوز نمی‌توانند در تجدید و اصلاح و اجرای ميثاق ملی نقش‌آفرین باشند. به همین دلیل هم هست که هنوز احزاب سیاسی شکل نگرفته‌اند که از دل آنها نمایندگانی بیرون بیایند که بگیرد مدنیت و دموکراسی باشند. ما با آرمان ظهور دموکراسی کامل در کشور فاصله داریم و این نقض تا عضویت و گرایش مردم به فعالیت در احزاب سیاسی و تشکل‌های اجتماعی رفع نخواهد شد.

هرچند که احزاب استخوان‌داری نداریم، اما مردم در بزنگاه‌های سیاسی نشان داده‌اند که می‌خواهند نقش آفرین باشند، به‌همین دلیل هم خیلی غیرمنتظره می‌آیند و تأثیرگذار می‌شوند. درمقابل آن‌ما نظره حضورشان را لمس نمی‌کنند. مثلاً می‌بیند در انتخابات دولت و مجلس شرکت کرده‌اند اما خروجی تصمیم‌گیری‌های دولتمردان و مجلس آن چیزی نیست که مردم برایش دلخوری مردم می‌شود، شما نگران از دست‌دادن همین پتانشونه اجتماعی نیستید؟

حتماً نگران هستیم. چون ثمره این دل‌سردی و دلخوری به رویکردی فعالی‌تر با سرنوشت جامعه منجر خواهد شد که شرایط دشوارتری را برای ما به ارمغان می‌آورد. مردمی که سرخورده شده‌اند، خسارت آن سرخوردگی به مردم و نخبگان‌شان بازمی‌گردد، مردم حقوق شهروندی‌شان را نقض شده می‌یابند و نخبگان نیز محدود یا تحقیر شده و تن به مهاجرت از کشورشان خواهند داد و در هر جای دنیا به‌جز کشور خود مفید و مؤثر خواهند بود.

نسخه درمان این دل‌سردی و دلخوری مردم چیست؟

برای پاسخ به این سؤال باید در مقدمه به این نکته اشاره کنم که بین میزان آگاهی و دانش فرد با احساس مسئولیت او در قبال جامعه ارتباط مستقیمی وجود دارد. انسان اجتماعی خلق شده و نمی‌توان منافع خودش را جدای از منافع جامعه بداند، این اصلی است که نخبگان با توجه به سرمایه می‌کنند و اگر نخبه‌ای رو به این اصل بی‌تفاوت باشد، اصلاً نخبه نیست. اصلاح‌طلبی باید از خود فرد کلید بخورد و به جامعه سرایت کند. در این مسیر است که راهکار مقابله با سرخوردگی مردم از سوی نخبگان روشن می‌شود. نخبگان باید به مردم آگاهی بدهند، مردم را در درون «ان‌جی‌او‌ها» متشکل کنند تا مردم جمعی شکل بگیرد و نوعی احساس مسئولیت جمعی و متقابل در سطح جامعه ایجاد شود. این اصلی است که در همه کشورهای پیشرفته دنیا رخ داده؛ مثلاً در کشوری مانند سوئد، هر سوئدی به صورت ماینگن در سه «ان‌جی‌او» عضو فعال است. این نشان می‌دهد کار گروهی و متشکل چقدر در این کشور رواج دارد. هر شهروند در سه «ان‌جی‌او» حضور دارد، این اصلاً با تعداد «ان‌جی‌او»‌های فعال در کشور ما و تعداد اعضای آنها قابل مقایسه نیست.

در مطالعات میدانی در جهان، تأیید شده که ارتباط مستقیمی بین فعالیت و تعداد تشکل‌های اجتماعی فعال با ظهور دموکراسی وجود دارد. همین نسبت بین تعداد نهادهای مدنی با شکل‌گیری سرمایه اجتماعی وجود دارد.

الا‌ن در عصر ارتباطات، اینترنت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته‌ایم که پیش‌تر وجود نداشتند. بنابراین فضای مجازی فرصت نوظهوری است که می‌توان در این مسیر از آن سود برد. الا‌ن افراد در هر ساعت از شبانه‌روز می‌توانند اطلاعات و اخبار را با هم ردوبدل کنند و در موضوعات روز تبادل‌نظر داشته باشند. خب این تحول در فناوری ارتباطات یک معجزه است، اما سؤال این است که چقدر از نخبگان ما از این فضای ایجادشده برای آرمان‌های اجتماعی استفاده می‌کنند؟ این نیست که بگوییم هزینه‌های سیاسی مانع شده‌اند؛ مگر سیاست چنددرصد مسائل جامعه است؟! بقیه مسائل؛ از مشکلات زیست‌محیطی گرفته تا فرهنگی و اجتماعی و... همه اینها جز، حقوق شهروندی است که می‌شود از همان‌ها شروع کرد.

چرا مردم ما مشتاق عضویت در تشکل‌های جمعی نیستند؟

دلیل اول کمبود سطح آگاهی مردم نسبت به اهمیت موضوع است و دلیل دیگر هم اینکه مردم آن‌قدر درگیر مشکلات معیشتی و روزمره خود هستند که فرصتی برای پرداختن به این دست موضوعات را ندارند.

من به سؤال اولم برمی‌گردم، با همه این اوصاف شما چقدر امیدوارید که نتیجه انتخابات ۱۴۰۰ مثل انتخابات ۱۳۸۴ نشود؟

تاریخ می‌تواند تکرار شود، اما عدم تکرار آن سال‌ها بستگی به تلاش برای آگاه‌کردن جامعه دارد. البته من فکر می‌کنم مردم تا رمقی دارند که به شرایط محیطی و آینده‌شان فکر کنند، باز هم در دقیقه ۹۰ به‌خاطر احساس خطر جلو می‌آیند، اما ممکن است که برخورد انفعالی آنها، تا ۱۸۰ درجه نتیجه انتخابات را تغییر دهد و باز هم جذب شعارهای پوپولیستی شوند.

شما سال‌ها وزیر علوم بودید، الان قریب به دو دهه از مدیریت شما بر آموزش عالی می‌گذرد، جنس دانشجویان دوران مدیریت شما با نسل جدید دانشجویان تغییر کرده است؟

بله و متأسفانه تغییر خوشایندی نیست. انتظار این بود که دانشجوی به‌عنوان کل سربسد فرهیختگان جامعه در همه عرصه‌ها پیششان باشد، البته این امر تا سال‌های سال وجود داشت، اما مدتی است که پویایی و تحرک از دانشگاه و دانشجو دور شده است. فضای دانشگاه تا سال ۷۷ خیلی خوب و امیدوارکننده بود، بعدها وقایعی پیش آمد که هنوز آثارش را بروز می‌دهد. البته من همچنان به آینده دانشگاه‌ها امیدوارم.

یک چه شد که وزیر علوم شدید؟

من یک دانشجوی شایسته کارهای علمی و پژوهشی بودم و استادانم به من توصیه می‌کردند برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌های آمریکا پذیرش بگیرم که به دلیل ضرورت حمایت از خانواده در فقدان پدرم خیلی مشتاق نبودم و این پیشنهادها را رد کردم منتهای وقتی به انقلاب رسیدیم شرایط تغییر کرد، من از فعالان سیاسی و مؤثر دانشگاه و شهر شیراز بودم ولی بین انقلاب و مبارزات انقلابی و کار علمی نمی‌توانستم تمایز و اولویت قائل شوم. سال ۵۷ بود و امام در نوفل‌لوشاتو مستقر بودند و من از دانشگاه ساکس انگلستان پذیرش گرفته بودم. همه مقدمات برای سفرم مهیا بود و فقط مانده بود خرید بلیت که باز هم از رفتن پشیمان شدم و با خودم گفتم نباید در این شرایط سخت مبارزات مردمی کشور را بگذارم و بروم!... همان‌جا بلیت و ویزایم را پاره کردم و به میان مردم و میدان مبارزه برگشتم.

این خاطره را برای فرزندان‌تان هم گفته‌اید؟

بله (می‌خندد)، می‌گویند چرا این کار را کردی، اما اگر به گذشته برگردم، بازهم این‌کار را انجام می‌دهم. من برآرم‌ان را بر منافع شخصی ترجیح داده بودم. سرنوشت من همان‌جا تغییر کرد!

بعد از انصراف از رفتن به پاریس باوجود اینکه می‌توانستم به سربازی نروم به سربازی رفتم و به انتخاب خودم به بوشهر رفتم تا خودسازی کنم (می‌خندد). آن روزها سروسزهای جنگ کشیده می‌شد و همان روز اعزام من تهران بمباران شد.

در پایگاه هوایی بوشهر تجربه ویژه‌ای داشتم اما دانشگاه شیراز بگیر بود که مرا بازگرداند و من زیر بار نمی‌رفتم و می‌گفتم که اینجا به من نیاز دارند. در نهایت برای بازگرداندن من تا سطح بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت، نامه‌نگاری شد و او به شرط حضور بزشک متخصص در آن یادگان به جای من با ماموریتم به دانشگاه موافقت کرد. یک سال بعد هم در سال ۶۰ من رئیس دانشگاه شیراز شدم.

وقتی در آن سن‌وسال رئیس دانشگاه شیراز شدید با خودتان گفتید چه خوب شد که از کشور نرفتید؟

هرگز. تازه کمی هم دلخور بودم که چرا از کار علمی جدا شدم! چرخه مسئولیت‌های اجرایی من از همان دانشگاه شیراز آغاز شد و در سال ۸۲ که هم از وزارت علوم و هم از عضویت حقیقی و حقوقی‌ام در شورای انقلاب فرهنگی پس از ۲۰ سال استعفا دادم، خاتمه یافت.

چه شد که نماینده مجلس شدید؟

آن ایام فضای ترور بود. آقای حائری‌شیرازی که آن ایام نماینده شیراز در مجلس بود به دنبال ترور آقای دستغیب امام‌جمعه شیراز، به امامت جمعه منصوب شد و یک کرسی شیراز در مجلس خالی شد.

سال یازدهم • شماره ۲۹۵۹ • روزنامه شتر

آینه دیروز

کیتان

- مقام معظم رهبری: ما آمده‌ایم فرعونیت را براندازیم
- لاریجانی، رئیس مجلس: هدف آمریکا از طرح توافق‌نامه امنیتی با عراق، تثبیت حضور دائمی در این کشور است
- آیت‌الله مکارم‌شیرازی: مردم برای رفع مشکلات سراغ خرافه‌پرستان نروند
- برهم صالح، معاون نخست‌وزیر عراق: به نفع عراق است که روابط خوبی با ایران داشته باشد
- محمد جهرمی، وزیر کار، در نامه‌ای به احمدی‌نژاد خواستار برکناری خود و رئیس‌کل بانک مرکزی شد
- حسین قضاوی، قائم‌مقام بانک مرکزی اعلام کرد: توزیع مساوی یارانه‌ها از وضعیت موجود عادلانه‌تر است
- احمد توکلی، نماینده مجلس: طرح سؤال از احمدی‌نژاد را امضا نکرده‌ام

انتقاد

- حسن روحانی، رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام: احمدی‌نژاد در سه سال گذشته سه فرصت مهم و طلایی را از دست داده است و درعین‌حال عده‌ای، مأمور جاروکردن ذخایر ارزی کشور شده‌اند
- روحانی مجلس درباره اظهارات مشابهی در رابطه با دوستی با مردم اسرائیل به مقام معظم رهبری نامه نوشتند
- نیجریه هم تکذیب کرد: دولت نیجریه اعلام کرد هیچ توافقی در زمینه همکاری هسته‌ای با ایران نداشته است
- دبیرکل حزب اعتماد ملی: اختلاف من و محمد خاتمی کذب است. من با خاتمی، رفیق و دوست هستم و جلساتی نیز در شورا با هم داشته و هنوز هم داریم. هیچ اختلافی بین ما وجود ندارد

ایران

- مقام معظم رهبری: زی‌رسؤال‌بردن موفقیت‌ها توهین به ملت است
- سیداحمد خاتمی: آمریکا توان برخورد نظامی با ایران را ندارد
- هاشمی‌شاهرودی، رئیس قوه قضائیه: تنها راه رهایی از یوغ استعمار نوین، همبستگی کشورهاست
- شهاب‌الدین صدر، نایب‌رئیس اول فراکسیون اصولگرایان: سؤال از رئیس‌جمهور ربطی به جریان اصولگرایی ندارد
- سعیدلو، معاون اجرایی احمدی‌نژاد: در جریان نامه چهری به رئیس‌جمهور نیستم
- شیخ‌عطار، قائم‌مقام وزارت امور خارجه: انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، تأثیری بر روابط واشنگتن و تهران ندارد
- حبیبی، دبیرکل حزب مؤتلفه: همکاری دولت و مجلس تصویری از کارآمدی اصولگرایان

انتقاد

- حسن روحانی، رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام: به‌جای استراتژیک فرصت‌ها، زیر تابلوی «دول خلیج العربیه» قطع‌نامه ضدایرانی گرفتیم
- بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس: ایران مخالف جدی قرارداد امنیتی عراق با آمریکاست
- جواد آرین‌منش، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس: دولت هیچ‌ک از وظایف فرهنگی خود را به درستی انجام نمی‌دهد
- محمد خوش‌چهره، نماینده مجلس: منطق طرح تحول اقتصادی، تبلیغاتی است نه اقتصادی
- دری‌تجف‌آبادی، دادستان کل کشور: بحران مسکن زمینه‌ساز وقوع جرم در کشور است
- هدایت آقایی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی: امروز آنچه که برای مردم اهمیت دارد، امنیت اقتصادی است
- حجتی، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی: ناامیدی مردم از شعارهای کاندیدایی، باعث عدم حضورشان در انتخابات می‌شود

جمهوری اسلامی

- مقام معظم رهبری: صبر و پایداری بر اصول و مبانی اسلام و انقلاب، موجب پیشرفت بیشتر در عرصه‌های گوناگون است
- احمدی‌نژاد: مسئولان نظام در دفاع از این نظام و ارزش‌های اسلامی تا آخر ایستاده‌اند و حسرت عقب‌نشینی از اصول و ارزش‌ها را بر دل استکار خواهند نشاند
- آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی در دیدار سفیر پاکستان: در نهایی‌شدن خط لوله صلح باید جدیت بیشتری اعمال شود
- حسن روحانی: آزمون سعي و خطا در کار دولت ثبات اجتماعی را بر هم می‌زند
- علی لاریجانی در دیدار عبدالمهدی، معاون رئیس‌جمهور عراق: آمریکا در موافقت‌نامه امنیتی با عراق در پی تثبیت حضور خود در منطقه است
- محمدرضا خباز، مخبر کمیسیون اقتصادی مجلس: توزیع کالا در کشور نظم لازم را ندارد

ادامه در صفحه ۷